



## بیانات معظم له در جمع مسؤولان و کارگزاران در سالروز ولادت فرخنده نبی اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) - 9 / خرداد / 1381

بسم الله الرحمن الرحيم

ميلاد مسعود حضرت نبی اکرم، محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله را به همه ی امت بزرگ اسلامی، به همه ی آزادگان عالم، به ملت شریف و مؤمن ایران و به شما حضار محترم و عزیزی که در این مجلس تشریف دارید - بخصوص میهمانانی که از دیگر کشورها تشریف آورده اند - تبریک عرض می کنم.

این روز بزرگ که هم میلاد پیغمبر اکرم و هم میلاد امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام است، یکی از مقاطع عظیم تاریخ بشر را به وجود آورده است. در مثل چنین روزی، خداوند متعال بزرگترین ذخیره ی الهی را که وجود مقدس پیامبر گرامی بود، به عرصه ی وجود آورد؛ این شروع یک مقطع تعیین کننده در سرنوشت بشر بود. در آیات ولادت پیامبر گفته اند، وقتی آن بزرگوار متولد شد، کنگره های کاخ کسری ویران گردید؛ آتشکده ی آذرگشسب که قرنها روشن بود به خاموشی گرایید؛ دریاچه ی ساوه که در نظر عده ای از مردم در آن وقت، مقدس شمرده می شد، خشک شد و بتهایی که بر گرد کعبه آویخته بودند، سرنگون شدند. این نشانه ها که کاملاً رمزی و نمادین است، نشان دهنده ی جهت اراده و ست الهی در پوشاندن خلعت وجود به این موجود عظیم و این شخصیت والا و بی نظیر است. معنای این حوادث نمادین این است که با این قدوم مبارک، بساط ذلت بشر، چه به وسیله ی حاکمیت جباران و حاکمان مستبد - از قبیل آنچه در آن روز در ایران و روم قدیم وجود داشت - و چه به وسیله ی عبادت غیر خدا، باید برچیده شود. بشر باید به وسیله ی این مولود مبارک، آزاد شود؛ هم از قید ستمی که به وسیله ی حکام جور بر انسانهای مظلوم در طول تاریخ تحمیل شده است، و هم از قید خرافه ها و اعتقادات نادرست ذلت آفرین که انسان را در مقابل موجودات پست تر از خود او یا در مقابل انسانهای دیگر، خاضع و ذلیل و ستایشگر می کند. لذا آیه ی قرآن در باب بعثت نبی اکرم می فرماید: «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و کفی بالله شهیدا» (18). «لیظهره علی الدین کله» زمان بندی نشده است؛ این، جهت را نشان می دهد. بشریت به وسیله ی این حادثه، باید به سمت آزادی معنوی، اجتماعی، حقیقی و عقلانی حرکت کند. این کار شروع شد و ادامه اش دست خود ما انسانهاست. این هم یک ست دیگر در عالم آفرینش است.

اگر انسانها تلاش و کار و همت خود را بیشتر به کار گیرند، به اهداف الهی - که در برنامه ی الهی تعیین شده است - زودتر خواهند رسید؛ اما اگر به کار نگیرند و ضعف نشان دهند، در این راه سالیان درازی معطل خواهند شد؛ مثل تیه بنی اسرائیل: «اربعین سنة یتیهون فی الارض (19)»؛ بنی اسرائیل به دست خود دچار سرگردانی و بیابانگردی شدند. بنی اسرائیل می توانستند مانع بروز آن سختی و تلخی شوند؛ می توانستند مدت آن را کوتاهتر کنند؛ می توانستند مدت آن را با ضعفهای خود طولانیتر کنند. سرنوشت ما هم همین است. برای مسلمانان هم، جهت آفرینش بشر، بعثت و فلسفه ی اعزام رسل و انزال کتب از سوی پروردگار، هم بیان و هم تعیین شده است. خود انسانها هستند که می توانند این راه را طولانی یا کوتاه کنند؛ می توانند خود را زودتر یا دیرتر به مقصد برسانند. در ست الهی، اراده ی انسان تعیین کننده است. این که اسلام انسانها را به مجاهدت دعوت می کند - «و جاهدوا فی سبیل الله (20)» یا «و جاهدوا فی الله حق جهاده (21)»؛ یعنی همه ی ظرفیت خود را در راه مجاهدت مصرف کنید - به خاطر این است که اگر به این توصیه ی الهی عمل کردیم، به هدف الهی زودتر خواهیم رسید. هدف الهی، ثابت و قطعی و تخلف ناپذیر است. اگر ما عمل نکنیم، دیگران می آیند و عمل می کنند: «من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه (22)». خدای متعال این راه و این سرمنزل و این سرنوشت را قطعی قرار



داده است. آنچه قطعی نیست، عبارت است از زمان و مردمی که سعادت بردن این گوی را از این میدان داشته باشند. این بسته به اراده‌ی من و شماست.

ملت ایران با رهبری امام بزرگوار همت کردند و توانستند یک قدم جلو بروند و پرچم اسلام را در این جا بلند کنند. امروز در این کشور، پرچم شریعت محمدی صلی الله علیه و آله برافراشته شده است. ممکن بود این اتفاق نیفتد یا ده سال و صد سال دیگر اتفاق افتد. آنچه این مهم را در این مقطع تحقق بخشید، اراده و تصمیم این ملت بر فداکاری و اعمال مجاهدت بود. این در همه جا ساری و جاری است.

امروز مسأله‌ی فلسطین یک زخم دردناک و عمیق در پیکر جامعه‌ی اسلامی است. آیه‌ای که تلاوت کردند، درباره‌ی نبی مکرم اسلام می‌فرماید: «عزیزٌ علیه ما عنتم (23)»؛ رنج شما برای او سخت و دشوار است؛ «حریصٌ علیکم بالمؤمنین رؤوفٌ رحیم (24)». امروز رنج دنیای اسلام - که برجسته‌ترین بخش آن، مسأله‌ی فلسطین است - قلب مقدس پیغمبر را می‌آزارد؛ «عزیزٌ علیه ما عنتم». با وضعی که امروز ملت فلسطین دارد، روح مقدس پیغمبر در عوالم بالای آفرینش الهی مملو از غم می‌شود. راه علاج چیست؟ تلاش و مجاهدت است.

امروز مسأله‌ی فلسطین، مسأله‌ی دنیای اسلام است. چه ما مسلمانان کشورهای اسلامی بدانیم و چه ندانیم، چه بفهمیم و چه نفهمیم، سرنوشت فلسطین، سرنوشت همه‌ی ماست. اگر فلسطین در این صحنه‌ی رویارویی شجاعانه‌ای که امروز برای خود به وجود آورده است، موفق شود، موفقیت همه‌ی دنیای اسلام است؛ اما هرچه رنج آن ملت ادامه پیدا کند، مایه‌ی ذلت روزافزون دنیای اسلام است. دنیای اسلام باید به معنای واقعی کلمه، این مسأله را مسأله‌ی خود بداند. درست است که همه‌ی ما وظیفه‌ی شرعی داریم و اسلام بر ما واجب کرده است به مردم فلسطین کمک کنیم؛ اما حرف من امروز فراتر از وظیفه‌ی شرعی است. می‌گویم امروز هر حادثه‌ای که در فلسطین رخ دهد و این قضیه به هر جا منتهی شود، به طور مستقیم به سرنوشت کشورهای اسلامی - چه آنهایی که نزدیکند و چه آنهایی که دورند - مربوط است و بر آنها هم اثر می‌گذارد. امروز ملت‌های مسلمان برای فلسطین هر کار بکنند، برای خود و به نفع خود کرده‌اند. وقتی با نقشه‌ی استعمار بریتانی و کمک دنیای استکبار، این قطعه‌ی خونین از پیکره‌ی دنیای اسلام جدا شد، آن روز نظرشان فقط فتح همین قطعه نبود؛ آن روز هم نظر استعمارگران تسلط بر کل منطقه - که قلب دنیای اسلام است - بود. بنابراین امروز همه‌ی ما وظیفه داریم.

البته ملت فلسطین در انجام دادن وظیفه‌ی خود، آنچه حق و شایسته‌ی یک ملت شجاع و غیرتمند است، انجام داده و ایستاده است. همه باید بدانیم این دولت غاصب ظالم کنونی صهیونیست، در عملیات خود تا این لحظه شکست خورده و هیچ‌گونه موفقیتی به دست نیاورده و مغلوب اراده‌ی فلسطینیها شده است. هدف از این عملیات این بوده است که انتفاضه‌ی بیت المقدس را خاموش کنند؛ فلسطینیها دستهای خود را به علامت تسلیم بالا ببرند و انگیزه‌ی آزادی خواهی و غیرت مردم فلسطین را خاموش کنند؛ اما آنچه به دست آمده، درست عکس این قضیه است. امروز عزم و تصمیم و فهم ملت فلسطین از مسأله‌ی فلسطین، بیش از آن وقتی است که انتفاضه هنوز شروع نشده بود. امروز عمق دشمنی و خباثت و وحشیگری این رژیم غاصب و شریکش - آمریکا - برای مردم فلسطین روشن شده است.

یک ملت وقتی کارش به جایی برسد که ببیند هیچ چاره‌ای ندارد جز این که مردن شجاعانه را به جان بخرد، دیگر هیچ چیز در مقابل او تاب ایستادگی ندارد. نه قدرت صهیونیستها - که تانک و توپ و همین ابزارهای ظاهری است - و نه قدرت سیاسی و مالی پشتیبان آنها - که امریکا است - نمی‌تواند تأثیری بگذارد. آن روزی که ملت فلسطین را به نشستن در پشت میز مذاکره و به اصطلاح، گرفتن امتیاز، دلخوش می‌کردند، دیگر تمام شد؛ معلوم گردید که نشستن در پشت میز مذاکره و گفتگو با دشمن، هیچ اثری ندارد. امروز ملت فلسطین فهمیده است و کار خود را می‌کند. مادران فلسطینی، جوانان فلسطینی، زنان و مردان فلسطینی و نوجوانان فلسطینی در صحنه‌اند.



آنچه مهم است، این است که دنیای اسلام به وظیفه‌ی خود عمل کند. دنیای اسلام، یعنی ملت‌ها و دولت‌ها. دولت‌ها ممکن است برای خود محاذیری فرض کنند، اما ملت‌ها این محاذیر را ندارند؛ علما، روشنفکران، سیاسیون و مؤثرین در فکر مردم، این محاذیر را ندارد؛ باید اقدام کنند. این اقدام، به دولت‌های آنها هم کمک خواهد کرد. امروز اگر ملت‌های مسلمان و بخصوص ملت‌های عرب در داخل کشور‌هایشان عزم و اراده‌ی خود را در حمایت از ملت فلسطین به طور واضح و مستمر نشان دهند، برای دولت‌هایشان هم خوب است؛ زیرا دولت‌ها در صحنه‌ی دیپلماسی می‌توانند از این وسیله برای فشار آوردن روی دشمن استفاده کنند.

امام بزرگوار ما، حقیقت مسأله را خوب شناخته و دیده بود. از شروع این نهضت از سال 1341 - یعنی چهل سال قبل - آن وقتی که هنوز در ایران مسأله‌ی فلسطین حتی در بین خواص هم منتشر نشده بود، حرف امام این بود که در مقابل سلطه‌ی اسرائیل باید همه احساس خطر کنند؛ همه باید بایستند و مقابله کنند. بعد هم همین راه را ادامه داد و این یکی از شعارهای بزرگ آن مرد الهی و آسمانی بود.

امیدواریم خداوند متعال همه‌ی ملت‌های اسلامی را بیدار کند؛ ما را به وظایفمان آشنا و در راه پیمودن این وظایف کمک کند؛ امت اسلامی را هرچه بیشتر به هم نزدیک گرداند و عناصر تفرقه را از میان آنها بزدايد و عناصر وحدت و الفت را در میان آنها روزبه‌روز زیادتر فرماید.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

(18) فتح: 28

(19) مائده: 26

(20) بقره: 218

(21) حج: 78

(22) مائده: 54

(23) توبه: 128

(24) توبه: 128